نویسنده در مقاله پیش‌رو با مراجعه به آموزه‌های حضرت امام موسی کاظم(ع) شیوه زندگی اسلامی در حوزه اخلاق اجتماعی را تبیین کرده است. این شیوه به سبب ثبات، کلیت و فراگیری برخاسته از ثبات فطرت انسانی می تواند در همه سبک‌های زندگی در طول تاریخ بشریت مورد استفاده قرار گیرد.

به مناسبت ۲۵ رجب سالروز شهادت هفتمین ستاره هدایت

ویژگی‌های اخلاق اجتماعی از منظر امام کاظم(ع)

■ محمد حمزه‌ای

شیوه زندگی اسلامی، مطابق فطرت انسانی

از آیات بسیاری از جمله آیه ۳۰ سوره روم این معنا به دست می‌آید که شیوه زندگی اسلامی، مطابق فطرت انسانی است. به این معنا که اصول اصلی و بنیادین آن با نیازهای فطرت انسانی مطابقت دارد و هرگز تحت تأثیر مقتضیات زمان و مکان تغییر و تبدل و تحولی در آن راه نمی‌یابد؛ چرا که فطرت انسانی هرگز تغییرپذیر نیست، مگر آن که از حالت اعتدال و تعادل خارج شده باشد و انسان از انسانیت بیرون رفته و خصوصیات موجودات پست‌تر از چارپایان در او شکل گرفته باشد و یا بدتر از آنها خصوصیات موجودات بی‌جان همچون سنگ خارا در او تحقق یافته باشد. در این صورت چون از مدار انسانیت خارج شده به طور طبیعی هیچ یک از نظام‌های انسانی در او وجود ندارد تا مطابقتی میان وجود چنین شخص ساقط شده‌ای با آموزه‌های عقلانی و وحیانی باشد. (اعراف، آیه ۱۷۹؛ فرقان، آیه ۴۴؛ بقره، آیه ۷۴؛ انعام، آیه ۴۳؛ حدید، آیه ۱۶)

از آنجایی که انسان دارای ابعاد و نیازهای متنوع و متعدد بسیاری است، لازم است تا در همه ابعاد شیوه زندگی اسلامی شناسایی و به مردم به عنوان کلیات معرفی شود. این مجموعه متنوع هر چند که از تعدد برخوردار است ولی همواره ثابت است و هیچ تغییری در آن رخ نخواهد داد؛ زیرا اینها کلیات و یا جوامع الکلم هستند که به اصول و فرمول‌های کلی زندگی اشاره دارد.

با توجه به اینکه پس از مسئله چگونگی ارتباط با خدا و عبادتش، مهم‌ترین مسئله، چگونگی ارتباط با مردم است، بخش عمده شیوه زندگی اسلامی به بیان این ارتباط و چگونگی آن اختصاص یافته است. در این بخش تلاش بر آن بوده تا فراتر از حسن عقلی به برترین‌های اخلاقی در قالب مکارم اخلاقی توجه داده شود.

مکارم اخلاقی در سنت و سیره معصومان(ع)

پیامبر(ص) و دیگر انوار عصمت و طهارت از اهل بیت آن حضرت(ع) که عهده‌دار امامت مسلمانان هستند، در زندگی خود با گفتار و کردار خود نشان دادند که بهترین و برترین حالت کمالی در اخلاق و مکارم اخلاقی کدام است. از این رو خداوند مردم را به ایشان ارجاع می‌دهد و از مردم می‌خواهد که پیامبر(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت را به عنوان الگوهای زندگی خود قرار دهند و همه چیز به ویژه نحوه ارتباط برتر با خدا و خلق را از ایشان بیاموزند. (احزاب، آیات ۲۱ و ۳۳؛ مائده، آیه ۵۵؛ سوره انسان و آیات دیگر)

شیوه زیستی که اهل بیت عصمت و طهارت(ع) در کلام و عمل به مردم آموختند بهترین و برترین‌هاست. البته ممکن است که ما از عهده آن، چنان که شایسته است برنیاییم ولی باید کوشش کنیم که چنین شویم. تلاش و سعی برای انجام، خود مقدس بوده و پاداش خاص خود را در دنیا و آخرت به دنبال خواهد داشت؛ چرا که انسان مکلف به انجام تکالیف است و نتیجه برعهده او نیست و خداوند به همین میزان بسنده کرده و پاداش سعی هر بنده‌ای را که در حد توان و استطاعت خویش بکوشد به خوبی و شایستگی ادا کرده و به او می‌بخشد. (نجم، آیه ۳۹)

شیوه اخلاقی امام موسی کاظم(ع)

امام موسی(ع) شیوه‌ای اخلاقی را در ارتباط با مردم و حاکمیت و دیگران بنا می‌نهد که می‌تواند اخلاق سیاسی، اخلاق اجتماعی، اخلاق فردی، اخلاق مدیریتی و دیگر ابعاد آن را به خوبی سامان دهد و موجب کمال رشدی فرد و جامعه شود.

مجموعه‌ای که آن حضرت در سنت و سیره عملی خویش ارائه می‌دهد حاوی اصول اخلاقی مبتنی بر مکارم اخلاقی است. در اینجا تنها به گوشه‌ای از این مجموعه اشاره می‌شود.

۱- قدرت واقعی در توکل به خدا: هر انسانی خواهان آن است که از همگان توانمندتر و قوی‌تر باشد، تا بتواند با قدرت هر آنچه را می‌خواهد انجام داده و یا ترک کند. قوت است که قدرت را موجب می‌شود. اگر انسانی قوت و نیروی واقعی در اختیار نداشته باشد نمی‌تواند در مقام قدرت، کاری انجام دهد؛ زیرا قدرت به معنای انجام یا ترک کاری به خواست و اراده خودش است؛ اما اگر انسانی قوت و توان نداشته باشد، نمی‌تواند از قدرتی برخوردار باشد که او را به ترک و انجام براساس اراده شخصی قادر سازد. از این رو امام(ع) می‌فرماید که اگر خواهان قوت هستید، به اصل و منشأ قوت مراجعه کنید؛ چرا که منشأ قوت در تمام هستی خداوند است. پس برای اتصال به چنین منبع انرژی و قوت، بهتر است که به خدا متصل شویم. آن حضرت(ع) می‌فرماید: من أراد أن یکون أقوی الناس فلیتوکل علی‌الله؛ هر که می‌خواهد قوی ترین مردم باشد بر خدا توکل نماید. (بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۴۳) بنابراین اگر بخواهیم در میان مردم دارای قوت و نیرویی باشیم که ما را قادر به انجام هر کاری به اراده خودمان کند و یا امکان ترک هر کاری را به اراده خود داشته باشیم بی‌آنکه کسی دیگر ما را مجبور به کاری یا ترک آن کند، می‌بایست به خداوند به عنوان منشأ قوت و قدرت توکل کنیم.

موسی کاظم
مَن استوی یوماه فهو مغبونٌ

۲- خوش‌خویی، خیر دنیا و آخرت: همه آموزه‌های اسلامی بر آن است تا انسان را به خوش‌خویی و حسن خلق سوق دهد. اگر کسی بتواند در زندگی خود از این امر بهره‌مند شود، خیر دنیا و آخرت را برای خود رقم زده است؛ چرا که در بسیاری از آیات و روایات بر این نکته تاکید شده که اهل بهشت انسان‌های خوش‌خلق هستند و کسی که او خوش‌خویی بهره‌ای نبرده، بهشت نصیب او نخواهد بود. امام موسی(ع) به این مهم توجه می‌دهد و می‌فرماید: والله ما اعطی مومن قط خیر الدنیا و الآخره، الا بحسن ظنه بالله عزوجل و رجائه له و حسن خلقه و الکف عن اغتیاب المومنین؛ به خدا قسم خیر دنیا و آخرت را به مؤمنی ندهند مگر به سبب حسن ظن و امیدواری او به خدا و خوش‌اخلاقی‌اش و خودداری از غیبت مؤمنان. (بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۸، ح ۲۹) البته باید توجه داشت که خوش‌گمانی و خودداری از غیبت دیگران نیز جزیی از مصادیق خوش‌خویی است که امام(ع) به عللی به این موارد و مصادیق تاکید کرده است؛ چرا که یکی از علل بدخلقی انسان، بدگمانی و یکی از بدترین رفتارهای ناشایست، غیبت پشت سر دیگران است.

*** انسانی که اسراف می‌کند نه‌تنها به خودش ظلم کرده بلکه به دیگران نیز ظلم کرده است، برای اینکه اجازه نمی‌دهد تا دیگران از آن نعمت بهره‌مند شوند اما اگر قناعت ورزد می‌تواند از آن مال به دیگران انفاق کند و از آثار انفاق همچون افزایش مهر و محبت برادران بهره‌مند شود.**

۳- میانه‌روی و قناعت: از دیگر رفتارهای پسندیده در زندگی، میانه روی و عدالت در زندگی بویژه در حوزه مصرف نعمت‌های الهی است. کسی که عدالت را درمصرف داشته باشد و میانه‌روی نماید و نسبت به آنچه که در اختیار دارد قناعت ورزد، هرگز گرفتار رفتارهای ضداخلاقی و ناپسند نمی‌شود و به زندگی دیگران حسادت نمی‌ورزد و برای دنیا و ارضای شهوات تلاش نمی‌کند. چنین شیوه‌ای موجب می‌شود که در زندگی از اخلاق پسندیده‌ای سود برد و رفتارش با دیگران بسیار متواضعانه و خوب باشد. از این رو امام موسی کاظم(ع) می‌فرماید: من اقتصد وقنع بقیت علیه النعمه و من بذر و أسرف زالت عنه النعمه؛ هر که میانه‌روی کند و قناعت ورزد، نعمت بر او بپاید و هر که بیجا مصرف نماید و زیاده‌روی کند، نعمتش زوال یابد. (تحف‌العقول، ص ۴۰۳)

انسانی که اسراف می‌کند نه‌تنها به خودش ظلم کرده بلکه به دیگران نیز ظلم کرده است، برای اینکه اجازه نمی‌دهد تا دیگران از آن نعمت بهره‌مند شوند اما اگر قناعت ورزد می‌تواند از آن مال به دیگران انفاق کند و از آثار انفاق همچون افزایش مهر و محبت برادران بهره‌مند شود.

۴- پرهیز از کبر و بدگویی: از نظر اسلام کبر و بزرگی تنها از آن خداست و هیچ کس نمی‌تواند خود را متصف به صفت کبر نماید و انسانی متکبر در درون و مستکبر در عمل اجتماعی باشد؛ چرا که بسیاری از بدبختی‌های اجتماعی جامعه مرتبط با همین روحیه ضداخلاقی و پست کبر و تکبر و استکبار است. ابلیس به سبب همین خصلت است که رفتاری زشت نسبت به حضرت آدم(ع) بلکه خدا درپیش گرفت و برای خود بدبختی و شقاوت ابدی را رقم زد. در آیات قرآنی از این صفت به شدت نهی شده است. از دیگر رفتارهای زشت و صفات ناپسند بدزبانی است که انسان را از مسیر خوش خویی دور می‌کند و جامعه را دچار بدبختی و واگرایی می‌کند. امام کاظم(ع) درباره تاثیر کبر در آینده بشر می‌فرماید: ایاک و الکبر، فانه لایدخل الجنه من کان فی قلبه مثقال حبه من کبر؛ از کبر و خودخواهی بپرهیز، که هر کسی دردلش به اندازه دانه‌ای کبر باشد، داخل بهشت نمی‌شود. (تحف‌العقول، ص ۴۱۷) آن حضرت(ع) همچنین درباره بدزبانی می‌فرماید: ان‌الله حرم الجنه علی کل فاحش بذیٔ قلیل الحیاء لا یبالی ما قال و لا ما قیل فیه؛ خداوند بهشت را بر هر هرزه‌گوی کم‌حیا که باکی ندارد چه می‌گوید و یا به او چه گویند حرام گردانیده است. (تحف‌العقول، ص ۴۱۶)

از نظر اسلام انسان باید فردی متواضع و فروتن باشد از این‌رو آن حضرت(ع) نیز به بیان تواضع حقیقی می‌پردازد و در عبارتی در تعریف و تبیین آن می‌فرماید: التواضع: ان تعطی الناس ما تحب ان تعطاه؛ تواضع و فروتنی آن است که آنچه دوست داری، دیگران درباره تو انجام دهند، تو هم همان را درباره دیگران انجام دهی. (وسائل‌الشیعه: ج۱۵، ص۲۷۳، ح ۲۰۴۹۷) این یک قاعده طلایی در زندگی اجتماعی است؛ زیرا اگر انسان‌ها هر آنچه دوست دارند دیگران درباره آنان بگویند و انجام دهند خود در این امور پیشگام باشند، جامعه بهشت می‌شود و هیچ‌کس ناراضی نخواهد شد؛ زیرا هیچ کسی بدی و زشتی و بی‌احترامی و بداخلاقی برای خود نمی‌خواهد و از آنجایی که فطرت همگان در این اصول مشترک است، رضایت عموم پدیدار خواهد شد.

۵. صداقت و راستی در قول و عمل: انسان خردمند انسانی است که به حکم عقل در قول و عمل صداقت دارد و هرگز عملی را انجام نمی‌دهد که او را از مسیر درستی و صداقت بیرون بردو کلامی نمی‌گوید که دروغ باشد؛ چرا که بنیاد بسیاری از گناهان و رفتارهای زشت و ناپسند، بی‌صداقتی در قول و فعل است. امام کاظم(ع) می‌فرماید: انما شیعه علی من صدق قوله فعله؛ همانا شیعه علی کسی است که قول او فعلش را تصدیق کند (کافی، ج۸، ص۲۲۸، ح ۲۹۰) آن حضرت(ع) در جایی دیگر عدم مطابقت قول و عمل را که شیوه منافقان است نقد کرده و می‌فرماید: بئس العبد یکون ذاوجهین و ذاللسانین؛ بد کسی است آن‌که دارای دو چهره و دو زبان است که باطن و ظاهرش متفاوت باشد و در پیش رو چیزی گوید و پشت سر چیز دیگر. (تحف‌العقول، ص ۲۹۱؛ بحارالانوار، ج۱، ص ۱۵۰، ضمن ح ۳۰) آن حضرت در جایی دیگر درباره صداقت می‌فرماید: من صدق لسانه زکی عمله، و من حسنت نیته زید فی رزقه، و من حسن بره باخوانه و اهله مد فی عمره؛ هر که زبانش صادق باشد اعمالش پاکیزه است، هر که فکر و نیتش نیک باشد در روزی‌اش توسعه خواهد بود، هر که به دوستان و خانواده‌اش نیکی و احسان کند، عمرش طولانی خواهد شد. (تحف‌العقول، ص۳۸۸، س۱۷؛ بحارالانوار، ج۷۵، ص۳۰۳، ضمن حدیث ۲۵)

*** در آیات قرآن از بندگان خواسته شده تا همواره بیان خوش داشته باشند و حتی اگر جاهلان و سفیهان سخنان زشتی بر زبان آوردند و به دشنام پرداختند شما با سلام و کرامت از آنان عبور کنید و همواره سخنی متین، نرم، کریمانه، معروف، محکم و استوار از نظر منطق و عقل بر زبان آرید.**

۶. امانت‌داری: یکی دیگر از اصول اساسی تقوای عقلانی که عقل و وحی بر فضیلت آن تأکید دارند، امانت‌داری است. این کار بارها مورد تأکید آیات قرآنی قرار گرفته است. امامان(ع) در سنت و شیوه زندگی خود نشان دادند که تا چه اندازه امانت‌داری در کنار صداقت و عدالت در زندگی می‌تواند جان و جامعه را در مسیر کمال قرار دهد. امام موسی کاظم(ع) می‌فرماید: اداء الامانه و الصدق یجلبان الرزق، والخیانه و الکذب یجلبان الفقر و النفاق؛ فرمود: امانت‌داری و راست‌گوئی، هر دو موجب توسعه روزی می‌شوند؛ ولیکن خیانت در امانت و دروغ‌گوئی موجب فلاکت و بیچارگی و سبب تیرگی دل می‌باشد. (تحف‌العقول، ص۲۹۷؛ بحارالانوار، ج۷۵، ص۳۲۷، ضمن ح۴)

۷. خوش‌گویی و مسئولیت‌پذیری و خیرخواهی: یکی از ابعاد خوش‌خویی، خوش‌گویی و خیرخواهی در قول و عمل است. در آیات و روایات به این فضیلت اخلاقی توجه داده شده است. در آیات قرآن از بندگان خواسته شده تا همواره بیان خوش داشته باشند و حتی اگر جاهلان و سفیهان سخنان زشتی بر زبان آوردند و به دشنام پرداختند شما با سلام و کرامت از آنان عبور کنید و همواره سخنی متین، نرم، کریمانه، معروف، محکم و استوار از نظر منطق و عقل بر زبان آرید. (بقره، آیه ۱۰۲؛ نساء، آیات ۵ و ۸ و ۹؛ اسراء، آیه ۱۲۳؛ یس، آیه ۵۷ و آیات دیگر) امام موسی کاظم(ع) نیز در عبارت کوتاهی از انسان‌ها می‌خواهد که در زندگی خود همواره خیرخواه مردم بوده و بر مسئولیت‌پذیری در قبال مردم با آنان برخورد خوشی داشته باشند تا بهترین زندگی تحقق یابد ایشان می‌فرماید: ابلغ خیرا و قل خیرا و لاتکن امعه؛ نسبت به همنوع خود خیر و نیکی داشته باش و سخن خوب و مفید بگو و خود را تابع بی‌تفاوت و بی‌مسئولیت قرار مده. (تحف العقول، ص۳۰۴، بحارالانوار، ج۲، ص۲۱، ح۶۲، و ج ۷۵، ص ۳۲۵، ح۲.)

سخن در بیان شیوه اخلاق اسلامی در تعاملات اجتماعی، سیاسی و علمی و مانند آن بسیار است ولی به همین مقدار بسنده می‌شود.

در مقاله حاضر با مروری به نقش اخلاص در زندگی امام خمینی با جلوه‌های اخلاص وخدامحوری در اندیشه و سیره عملی ایشان آشنا خواهیم شد، به امید این که وجود خود را به گوهر زیبای اخلاص بیارائیم و از آلودگی‌های زشت ریا پاک سازیم.

اخلاص و خدامحوری در زندگی امام خمینی(ره)

■ عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

در ضمیر ما نمی‌گنجد به غیر دوست کس
هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس[1]

خداوند متعال در مورد ویژگی‌های انسان‌های شایسته می‌فرماید: «الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان‌الله لمع المحسنین؛(عنکبوت۶۲) آن‌ها که در راه ما خالصانه تلاش می‌کنند، قطعا به راه‌های خود (در راهیابی به کمال)، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است». حضرت امام خمینی یکی از مصادیق این آیه شریفه بود، او مخلصانه در راه خدا تلاش نمود و خداوند هم راه‌های برون رفت از مشکلات را به نحو احسن برایش نشان داد و به زیباترین صورت به سوی هدف والایش هدایت نمود. او با تمام وجود خود را وقف ترویج مکتب توحید کرد و خداوند هم طبق وعده‌اش - که هرگز تخلف نپذیرد- در تمام عرصه‌ها همراهی‌اش نمود.

آری اخلاص ارزشمندترین سرمایه حضرت امام خمینی(ره) در طول زندگیش بود که در پرتو آن توانست جهان معاصر را تحت تاثیر قرار داده و عظیم‌ترین رخداد معنوی، سیاسی و فرهنگی را در قرن حاضر رقم بزند. سرمایه اخلاص چنان نیرویی به ایشان بخشیده بود که دل‌های مشتاق کمال، مجذوب او شدند و با تبعیت از آن یگانه دوران، مسیر خود را تغییر داده وراه سعادت را انتخاب کردند. خلوص امام، چنان در قلب و روح انسان‌ها آثار معنوی و ظاهری فراوانی پدید آوردکه بسیاری از جوانان یک شبه ره صد ساله پیمودند.

اخلاص از نگاه امام خمینی(ره)

امام خمینی در تعریف اخلاص حدیث امام صادق(ع) را یادآور می‌شود که می‌فرماید: «العمل الخالص الذی لاترید ان یحمدک علیه احد الا الله عز وجل والنیه افضل من العمل؛ عمل خالص [آن است] که نخواهی کسی جز خدا مدح و ثنای تو را گوید و نیت برتر از عمل است.»[2]

ایشان در مورد ریا هم می‌فرماید: «ریا» عبارت از نشان دادن و وانمود کردن چیزی از اعمال حسنه یا خصال پسندیده یا عقاید حقه است به مردم، برای منزلت پیدا کردن در قلوب آن‌ها واشتهار پیدا کردن پیش آن‌ها به خوبی و صحت و امانت و دیانت بدون قصد صحیح الهی.[3] امام خمینی مکنونات قلبی و باور عمیق خود را در مورد اخلاص در راه خدا و پرهیز از ریاکاری این‌گونه بیان داشته است:

ای عزیز، نام نیک را از خداوند بخواه. قلوب مردم را از صاحب قلب خواهش کن با تو باشد. تو کار را برای خدا بکن، خداوند علاوه بر کرامتهای اخروی و نعمت‌های آن عالم، در همین عالم هم به تو کرامت‌ها میکند، تو را محبوب می‌نماید، موقعیت تو را در قلوب زیاد می‌کند، تو را در دو دنیا سربلند می‌فرماید. ولی اگر بتوانی با مجاهده و زحمت، قلب خود را از این حب هم به کلی خالص نما، باطن را صفا ده تا عمل از این جهت خالص شود و قلب متوجه حق گردد، روح بی‌آلایش شود، کدورت نفس برطرف گردد. حب و بغض مردم ضعیف، شهرت و اسم نزد بندگان ناچیز، چه فایده‌ای دارد. فرضا فایده داشته باشد، یک فایده ناچیز جزئی چند روزه است. ممکن است این حب عاقبت کار انسان را به ریا برساند و خدای نخواسته آدم را مشرک و منافق وکافر کند، اگر در این عالم رسوا نشود، در آن عالم در محضر عدل ربوبی، پیش بندگان صالح خدا و انبیای عظام او و ملائکه مقربین رسوا شود، سرافکنده گردد، بیچاره شود.

رسوایی آن روز را نمی‌دانی چه رسوایی است. سرشکسته در آن محضر را خدا می‌داند چه ظلمت‌ها دنبال دارد. آن روز است که به فرموده حق تعالی کافر می‌گوید: «ای کاش خاک بودم.[4] و دیگر فایده ندارد. (چهل حدیث ص ۴۱)

من هیچکاره‌ام!

ایشان از همان اوایل نهضت، اطرافیان خود را با فرهنگ اخلاص‌طلبی و ریاگریزی آشنا کرد. بعضی از روحانیون در قم به زندان افتاده بودند که مرحوم شهید محلاتی هم از جمله آن‌ها بود. امام در همان اوایل آن‌ها را جمع کرده و فرمودند: «اگر برای من این کار را کردید و زندان رفتید، من نه پاداشی دارم به شما بدهم، نه این که اقدامی می‌توانم بکنم. خوب، التماس دعا! برای من این کار را نکنید. اگر برای خدا می‌کنید، صبر کنید و از این چیزها باکی نداشته باشید و کار خودتان را انجام بدهید».[5]

این رفتار امام مصداق کلام خداست که در آیه ۵ سوره بینه می‌خوانیم: «و ما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین حنفاء و یقیموا الصلوه و یوتوا الزکوه و ذلک دین القیمه؛ به آنها دستوری داده نشده بود جز این که خدا را بپرستند در حالی که دین خود را خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند؛ و این است آیین مستقیم و پایدار!»

امام خمینی هر اندازه که به خلوص نیت و آثار و برکات آن باور داشت به همان اندازه از ریا و خودنمایی متنفر بود. چرا که ریا نه تنها آثار سوئی درروح و جسم انسان دارد، بلکه انسان را تا مرز کفر و شرک پیش می‌برد و جامعه را به سوی تملق و دورویی و نفاق سوق می‌دهد. دو خاطره زیر گویای نمونه‌هایی از این واقعیت است:

نمی‌توانم قصد قربت کنم!

یکی از علمای همدان به قم مشرف شد و در منزل برادرش میهمان گردید. برادرش از شاگردان حضرت امام بود. یک روز صبح بنده و مرحوم حجت‌الاسلام حاج‌آقا مهدی شاه‌آبادی به حضور حضرت امام در منزل ایشان شرفیاب شدیم. آقای شاه‌آبادی به ایشان عرض کرد: فلانی از همدان آمده و مرد خوبی است و اهل مبارزه است. خیلی در ایام مبارزه کوشش کرده و الان در قم در منزل برادرش میهمان است. خوب است که شما از این شخص دیدار کنید. امام در پاسخ فرمودند: من حالم مساعد نیست.

مرحوم شاه‌آبادی اصرار نمودند که برادرش شاگرد شماست و خودش هم به شما ارادت دارد. حضرت امام برای بار دوم فرمودند: گفتم حالم مساعد نیست چون تب دارم، البته آن قدر تب ندارم که نتوانم به منزل این آقا بروم و او را دیدن کنم، بلکه چون نمی‌توانم قصد قربت کنم [نمی‌آیم] زیرا شما گفتید این آقا از ارادتمندان شماست، به این جهت نمی‌آیم. مرحوم آقای شاه‌آبادی با شنیدن این سخن حضرت امام، ساکت شد. (همان ص ۲۲۴)

پرهیز از گریه ریائی

امام در کوچک‌ترین مسائل سعی می‌کرد از خطر ریا دور باشد و هرگز برای غیرخدا عملی انجام ندهد. در شب شهادت مرحوم حاج‌آقا مصطفی در مسجد هندی نجف مجلس فاتحه گذاشته بودند، آقای سیدجواد شبر منبر رفتند ایشان نقل می‌کرد در این مجلس که امام هم در آن شرکت کرده بودند، روضه حضرت علی‌اکبر(ع) را خوانده و هفت بار هم در منبر به این روضه اشاره و گریزهایی زده بود اما امام با نهایت آرامش در مجلس نشسته بودند. ایشان با آن گریزهای متعدد می‌خواست از امام گریه‌ای بگیرد که دل ایشان سبک شود، ولی موفق نشد. با اینکه مصیبت بزرگی بود یک عده که حال امام را دیدند گفتند از بس مصیبت سنگین است، امام شوکه شده و گریه‌شان نمی‌آید! لذا پس از مجلس، امام که به منزل تشریف برد به او عرض کردند: آقا شما امشب در روضه گریه نکردید؟ ایشان فرمودند: وقتی او روضه می‌خواند به من نگاه می‌کرد و من ترسیدم اگر گریه کنم برای غیرخدا گریه کنم یعنی گریه‌ام بابت مصیبت فرزندم باشد نه برای رضای خدا. (همان)

آثار اخلاص در زندگی

پرهیز از تظاهر و خالص کردن عمل برای خدا برکات فراوانی در زندگی افراد به ویژه رهبران الهی دارد که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

*** امام در کوچک‌ترین مسائل سعی می‌کرد از خطر ریا دور باشد و هرگز برای غیرخدا عملی انجام ندهد. در شب شهادت مرحوم حاج‌آقا مصطفی در مسجد هندی نجف مجلس فاتحه گذاشته بودند، آقای سیدجواد شبر منبر رفتند ایشان نقل می‌کرد...**

۱- بصیرت ویژه

در حدیث معروفی از رسول خدا(ص) نقل شده است: «ما اخلص عبدالله عزوجل اربعین صباحا الا جرت ینابیع الحکمه من قلبه علی لسانه؛[6] چنانچه بنده‌ای از بندگان خدا چهل روز اخلاص را پیشه خود سازد، چشمه‌های حکمت و دانش از قلبش بر زبانش جاری می‌شود.»

حضرت امام که در تمامی مراحل زندگی همواره خدا را ناظر اعمال خویش می‌دانست به مقام مخلصین دست یافته بود و با بصیرت ویژه خدادادی، همیشه به موقع و به جا تصمیم می‌گرفتند؛ مثلا زمانی که رژیم طاغوت تصمیم گرفت که ساعت ۴/۵ بعدازظهر روز ۲۱ بهمن سال ۵۷ را حکومت نظامی اعلان کند، امام(ره) به موقع، یعنی حدود نیم ساعت بعد از اعلان خبر، فرمودند: حکومت نظامی لغو شود و همه مردم به خیابان‌ها بیایند. چنین شد و به دنبال آن سر و صدا و درگیری آغاز شد. انقلابیون به کمک بلندگو و با موتور و ماشین‌های شخصی در خیابان‌های تهران به راه افتادند و همه مردم را مطلع کردند تا با وجود اعلان حکومت نظامی از سوی رژیم، در خیابان‌ها حضور جدی داشته باشند، البته بعد از انقلاب روشن شد که اگر این تصمیم به موقع گرفته نمی‌شد، همان شب کودتا می‌شدو محل اقامت امام(ره) و جاهای حساس دیگر بمباران می‌گردید.[7]

۲- عزت و شوکت

امام صادق(ع) فرموده‌اند: «ان المؤمن یخشع له کل شیء و یهابه کل شیء ثم قال اذا کان مخلصا لله اخاف الله منه کل شیء حتی هوام الأرض و سباعها و طیر السماء؛[8] همه چیز در مقابل مومن خشوع می‌کند و همه از هیبت او می‌ترسند.» و در ادامه فرمود: «هرگاه مؤمن برای خدا خالص باشد، خداوند کاری می‌کند که همه‌چیز، حتی شیران و درندگان زمین و پرندگان هوا، از او بترسند. بنیان‌گذار انقلاب نیز با الهام از ائمه اطهار همواره می‌فرمود: اگر با خلوص نیت در راه شریعت مطهره خدمت کنید عزت و عظمت از آن شماست؛ فلله العزه و لرسوله و للمؤمنین.[9]

حضرت آیت‌الله العظمی خمینی
امام خمینی یک حقیقت همیشه زنده است

همین خلوص نیت آن گرامی در راه خدا به وی چنان قدرتی داده بود که با شجاعت تمام در مقابل مستکبران جهان ایستاده و آنان را با تمام قدرت تحقیر می‌کرد. به مسئولین کشور می‌فرمود: من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می‌خواهم که از هیچ‌کس و از هیچ‌چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشاء سرمایه‌داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیزم نکشند که ما هنوز در قدم‌های اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم... من باز می‌گویم: همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی‌تان - به خیال خام خودشان- بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور. همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان، خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند!»[10]

۳- مدیریت الهی در زندگی

پیامبر اکرم(ص) فرمود: خداوند عزیز و جلیل فرموده است: «لا اطلع علی قلب عبد فاعلم منه حب الاخلاص لطاعتی لوجهی و ابتغاء مرضاتی الا تولیت تقویمه و سیاسته، بر قلب بنده‌ای که در آن محبت اخلاص برای طاعت خودم و پیروی رضایتم را بیابم، قوام و پایداری زندگی او و اداره امور او را به عهده می‌گیرم».[11]

امام خمینی این حدیث قدسی را در مدت رهبری خود عینیت بخشید. مدیریت بی‌نظیر امام خمینی در تمام دوران‌های انقلاب اسلامی ایران که همواره با بحران‌های غیرقابل تصوری مواجه بود با هیچ منطقی به غیر از منطق الهی و خلوص نیت قابل توجیه نیست. هدایت کشتی انقلاب در میان امواج سهمگین توطئه‌ها، ترورها، ناامنی‌ها از داخل و خارج حتی بحران‌هایی که از طریق خواص ایجاد می‌شد هرگز بدون عنایات الهی و بدون ارتباط محکم با مبدا هستی امکان‌پذیر نبود. سخن معروف امام خمینی درباره آزادی خرمشهر در همین راستا بیان شده است که فرمود: خرمشهر را خدا آزاد کرد.[12] و در جای دیگر فرمود: خدای تبارک و تعالی ما را از قید و بندهای استعمار و استبداد آزاد کرد.[13] یعنی مدیریت اصلی دست خداوند است.

با تظاهر و صحنه‌سازی و ریاکاری هرگز نمی‌توان با آن همه مشکلات مواجه شد و سربلند بیرون آمد. امام می‌فرمود: باید تلاش کنیم زهد و قدس اسلام ناب محمدی را از زنگارهای تقدس‌مآبی و تحجرگرایی اسلام امریکایی جدا کرده و به مردم مستضعفمان نشان دهیم. ما اگر توانستیم نظامی برپایه‌های نه شرقی نه غربی واقعی و اسلام پاک منزه از ریا و خدعه و فریب را معرفی نماییم، انقلاب پیروز شده است.[14]

۴-رهایی از گرفتاری‌ها

علی«ع» فرموده‌اند: «وبالاخلاص یکون الخلاص،[15] رهایی انسان [از گرفتاری‌های دنیوی و آخرتی] در اخلاص ورزیدن است.»

خلوص نیت امام موجب شد که از همه مشکلات و گرفتاری‌ها نجات یافته و خلاص شویم که از مهم‌ترین آن‌ها فتنه‌های ساختارشکن و بحران‌های ساختگی، جنگ هشت ساله و حمله نظامی آمریکا بود که به نحو شایسته‌ای کشور اسلامی ما از آن‌ها نجات یافت.

پیامدهای ریا

۱- نفاق

قرآن ریاکاران را در ردیف منافقان قلمداد کرده و می‌فرماید: «ان المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم و اذا قاموا الی الصلوه قاموا کسالی یراون الناس و لایذکرون الله الا قلیلا (نساء ۱۴۲) منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند در حالی که او آن‌ها را فریب می‌دهد و هنگامی که به نماز به می‌خیزند با کسالت بر می‌خیزند و در برابر مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند.»

امام هم در مورد نفاق ریاکاران می‌فرماید: آن که ما امروز مبتلای به آن هستیم و آن دسته منافقینی که اظهار اسلام می‌کنند و کمر اسلام را می‌خواهند بشکنند. کار مسلمان‌ها با این‌ها مشکل است. حل مسئله این‌ها بسیار مشکل است. این غیر از آنی است که «نصیری» است، که مطلبش معلوم است. و «هویدا» است که مطلبش معلوم است. «هویدا» معلوم بود دشمن اسلام و مسلمین است و «نصیری» هم معلوم بود که مردم را چه کرده و تکلیف مردم با او معلوم بود و گرفتند آن‌ها را و به جزای خودشان رساندند. اما آن آدم مقدس مآبی که تسبیح هم دستش گرفته است و می‌گوید به اسلام هم من خدمت می‌کنم. این مقدس مآب را چه باید بکنیم...؟ این طایفه منافقین هم که نمی‌شود با آن‌ها کاری کرد. اسلام از صدر، از اولی که اسلام پیدا شده تا حالا، مبتلای به این جمعیت هست و حل مسئله این‌ها مشکل‌تر از هر مسئله‌ای است برای اسلام و مسلمین. اشخاصی که فریاد برای اسلام می‌زنند و می‌زدند و از ملیت و از اسلامیت و از این‌ها می‌گفتند، بعد معلوم شد که این آقا که این قدر اسلام‌مآب است واین قدر ملی است رابطه دارد با امریکا. بعضی از این روشنفکرهای ما این طوری‌اند، منافق‌اند. اگر صاف می‌ایستادند، مردانه می‌ایستادند، مثل آن فرض کنید آدمی که می‌ایستد، می‌گوید که من طرفدارم. در بین این‌هایی که کشتند، یکی‌شان ایستاد گفت که نه خیر من طرفدار شاه هستم. حالا هم طرفدار شاهم. کشتندش. این مردانه ایستاد و مردانه هم مرد. به جهنم هم رفت ...[16]

۲-سلب توفیق

خداوند متعال ریاکاران را انسان‌های شکست خورده و ناموفق معرفی کرده می‌فرماید: «ولاتکونوا کالذین خرجوا من دیارهم بطرا و رئاء الناس و یصدون عن سبیل‌الله و الله بما یعملون محیط (انفال ۴۷) و مانند کسانی نباشید که از روی هواپرستی و غرور و خودنمایی در برابر مردم از سرزمین خود بیرون آمدند و (مردم را) از راه خدا باز می‌داشتند (و سرانجام شکست خوردند) و خداوند به آنچه عمل می‌کنند احاطه و آگاهی دارد.»

*** امام در مورد نفاق ریاکاران می‌فرماید: آن که ما امروز مبتلای به آن هستیم و آن دسته منافقینی که اظهار اسلام می‌کنند و کمر اسلام را می‌خواهند بشکنند. کار مسلمان‌ها با این‌ها مشکل است.**

امام در این زمینه می‌نویسد: ای عزیز، برای یک خیال باطل، یک محبوبیت جزئی بندگان ضعیف، یک توجه قلبی مردم بیچاره، خود را مورد سخط و غضب الهی قرار مده، و مفروش آن محبت‌های الهی، آن کرامت‌های غیرمتناهی، آن

این جمله‌ای که از امام بزرگوار ما نقل شده است و شما شنیدید که فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، دقیق‌ترین و حکیمانه‌ترین سخنی است که در این باب گفته شده است، عینا همان «و ما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی». قدرت خدای متعال در دل رزمندگان، در اراده و عزم پولادین رزمندگان، در صبر رزمندگان، در بازوی توانای رزمندگان، در قدرت ابتکار رزمندگان تجلی پیدا کرد. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری)

الطاف و مراحم ربوبیت را به یک محبوبیت پیش خلق که مورد هیچ اثری نیست و از او هیچ ثمری نبری جز ندامت و حسرت. وقتی دست از این عالم کوتاه شد، که عالم کسب است و عملت منقطع گردید، دیگر پشیمانی نتیجه ندارد و رجوع بی‌فایده است.[17]

در شرح حال امام آمده است: امام درحالی که فردی متعبد و شب زنده‌دار بودند؛ ولی از تظاهر به تقدس و تقوا در انظار مردم فوق‌العاده بیزار بودند. در طول عمرشان دیده نشد در انظار مردم تسبیح به دست بگیرندو ذکر بگویند. ایشان در حالی که مردی زاهد و وارسته بودند و هرگز دل به دنیا نبسته بودند، سعی می‌کردند که از نظر لباس و وضع ظاهری در سطح مطلوبی باشند و از پوشیدن لباس‌های کهنه و پاره و یا لباس‌های کم‌قیمت اجتناب می‌ورزیدند.[18]

۳- دوری از توحید و یگانه‌پرستی

امام خمینی در این مورد در شرح حدیث ریا می‌نویسد: مقام سوم که ریای معروف پیش فقها، رضوان‌الله علیهم، است، دارای همین دو درجه است: یکی آن که اتیان به عمل و عبادت شرعی کند یا اتیان به راجحات عقلی نماید به قصد ارائه به مردم و جلب قلوب، چه آن که ذات عمل را به قصد ریا کند، یا کیفیت، یا شرط، یا جزء آن را، به طوری که در کتب فقهیه (در نیت نماز) متعرض‌اند. دیگر آن که ترک عملی کند به همان مقصود. یزید بن خلیفه از حضرت صادق، علیه‌السلام، نقل می‌کند که فرمود: کل ریاء شرک انه من عمل للناس کان ثوابه علی الناس و من عمل لله کان ثوابه علی الله؛ هر ریایی شرکت است. هر کس برای مردم کار کند، ثواب او بر عهده مردم می‌باشد، و کسی که برای خدا عمل کند، پاداش او را خدا می‌دهد.»[19]

اما در همین زمینه می‌فرماید: اگر فطرت توحید از دست رفت، که فطره الله است، و به جای آن شرک و کفر جایگزین شد، دیگر شفاعت شافعین نصیب انسان نشود، و انسان مخلد در عذاب است- آن هم چه عذابی؟ عذابی که از قهر الهی و غیرت ربوبی بروز کند. (همان ص ۳۹)

حالا بیایم مشرک بشوم؟

امام خود نیز فقط برای خدا عمل می‌کرد. آقای فرقانی می‌گوید: در نجف بعضی از آقایان و مردم به امام گله می‌کردند که چرا با بعضی از دوستانتان زیاد گرم نمی‌گیرید؟ مثلا می‌گفتند دو آیت‌الله به هم می‌رسند، به هم تعظیم می‌کنند و با همدیگر گرم می‌گیرند. امام می‌فرمودند: «من در طی مدت چهل سال زحمت کشیدم تا موحد شدم حالا تازه بیایم و مشرک بشوم و سجده کنم برای شما و آقایان؟!»[20]

۴- محرومیت از لذت‌های معنوی

امام در مورد لذت غیرقابل تصور اخلاص می‌فرماید: این قدر خیانت مکن بر این امانت الهی! پاک کن آینه قلب را تا نور جمال حق در او جلوه کند، و تو را از عالم و هر چه در اوست بی‌نیاز کند، و آتش محبت الهی در قلب افروخته شده تمام محبت‌ها را بسوزاند که همه عالم را به یک لحظه آن ندهی، و چنان لذتی ببری از یاد خدا و ذکر آن که تمام لذات حیوانی را بازیچه بدانی. اگر اهل این مقام هم نیستی و این معانی در نظرت عجیب می‌آید، نعمت‌های الهی را در عالم دیگر که قرآن مجید و اخبار معصومین از آن‌ها اطلاع داده‌اند، از دست مده، به واسطه جلب قلوب مخلوق برای شهرت چند روزه موهوم، آن همه ثواب‌ها را ضایع مکن، از آن همه کرامات خود را محروم مکن، سعادت ابدی را به شقاوت همیشگی مفروش. (چهل حدیث ص ۴۲)

سعدی در این معنا چه زیبا گفته است:

اگر لذت ترک لذت بدانی
دگر شهوت نفس، لذت نخوانی
هزاران در از خلق بر خود ببندی
گرت باز باشد دری آسمانی
سفرهای علوی کند مرغ جانت
گر از چنبر آز بازش پرانی
ولیکن تو را صبر عنقا نباشد
که در دام شهوت به گنجشک مانی
زصورت پرستیدنت می‌هراسم
که تا زنده‌ای ره به معنی ندانی

---

[1] -امام خمینی معمولا این شعر اوحدی مراغه‌ای را در موضوع اخلاص مترنم می‌شد. (چهل حدیث ص ۳۳۳)
[2] - الکافی، ج۲، ص: ۱۶
[3] - همان، ص ۳۵.
[4] -اشاره است به آیه یوم ینظر المرء من قدمت یداه و یقول الکافر یا لیتنی کنت ترابا. (روزی که شخص به آنچه پیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: ای کاش خاک می‌بودم.)(نبأ ۴۰).
[5] -برداشتهایی از سیره امام خمینی، جلد۳، ص ۲۲۲.
[6] - عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص:۶۹
[7] - پرتوی از خورشید/ ص ۲۵۹.
[8] - جامع الأخبار، ص ۱۰۰.
[9] - برگرفته از سوره منافقون، آیه ۸: «عزت از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است.»
[10] - صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۳۲۸.
[11] -مستدرک الوسائل، ج ۴، ص: ۴۸۳
[12] - به نقل از رهبر انقلاب در دانشگاه امام حسین(ع) در سوم خرداد ۱۳۸۹.
[13] - صحیفه امام، ج ۷، ص: ۴۹۰
[14] - همان، ج ۲۱، ص ۱۴۳
[15] - الکافی (چاپ الاسلامیه)، ج ۲، ص: ۴۶۸
[16] - صحیفه امام، ج۱۱، ص:۲۳۴
[17] - چهل حدیث/ ص ۳۹.
[18] - آیت‌الله جعفر سبحانی، حوزه ش. ۳۲.
[19] - چهل حدیث/ ص ۳۵.
[20] - برداشتهایی از سیره امام خمینی، جلد ۳، ص ۲۲۵.